

مقایسه بازار کتاب و کتاب خوانی در کابل و «چالش ها و درد سر های نویسندگی و پژوهشگری»

نگارش زیبا و گیرای را از قلم توانمند محترم محمد اکرام اندیشمند در رسانه روشنگر گفتمان نیک مطالعه کردم، ایشان با اندیشه و دیدگاه هدفمند به یک موضوع خیلی جدی پرداخته اند، راستی مقیاس کتاب و کتاب خوانی در یک جامعه حد اقل تپش نبض آنرا برای عشق به دانش تا حدودی نشان میدهد، دانش برای ارتقای دانسته های نظری، دانش برای فراگیری مسلک و تخصصی جهت پیدا کردن یک لقمه نان، جهت دریافت پاسخ به پرسش های متعددی که شرایط و ابعاد مختلف اوضاع کنونی مطرح کرده است، بدست آوردن کتاب شاید برای تکمیل یک موضوع تحت مطالعه، که مرجع علمی معینی برای دانشجویان سپرده است خواندن کتاب برای مشغولیت و تفریح و یا هم شاید به خاطر هدف های دیگر، اینها همه اسبابی اند که انسان را به سوی کتاب رهنمون میشوند، دیده میشود که کتاب و کتاب خوانی امروزه گستره نسبتاً وسیع را احتوا میکند. ولی اما اذعان باید نمود که تا حال تنها به جوانب کمی عرصه های نیاز به کتاب برشمرده شده اند و به محتوی و کیفیت مطالب کتب عطف توجه صورت نگرفته است. اگرما تنها در محدوده همین صرفاً ارزیابی کمی هم توقف کنیم، به واقعیت های دست خواهیم یافت که با دریافت های جناب اندیشمند زیاد مطابقت نخواهند کرد، در زیرمسأله را چنین دنبال میکنیم:

اواسط دهه پنجاه سال های هجری شمسی، فکر میکنم به گمانم نفوس کشورما در حدود پانزده میلیون گفته میشود فیصدی نفوس کشور که به مکتب و دانشگاه و فاکولته انستیتوت و دارالمعلمین و... میرفتند و ما در این قلمرو موسسات تعلیمی ثانوی و عالی خصوصی هم نداشتیم، خیلی ها کمتر از آن کمیتی بود که امروزه در برابر خویش داریم. ده ها مؤسسه تعلیمات عالی دولتی و خصوصی در سراسر کشور بنیان گذاشته شده اند، البته اینها همه محصول تلاش های خود مردم و به ویژه نسل جوان کشور است که در خط اول هر تحولی نباید نقش و سهم ایشان فراموش شود، بنده که طی سال های 2005 تا 2012 وظیفه مدرسی را درمؤسسات عالی تعلیمی وطن عهده دار بوده ام در همین سال ها در مرکز چند ولایت گشت و گذار های کاری نیز داشته ام، چشم دیدم در باره وجود کتاب و بالنتیجه میل به کتاب خوانی را به عرض میرسانم.

اگر به خاطر داشته باشید در شهر کابل ما در سال 1355 ه ش به سختی میشد صد کتاب فروشی را دستیاب کرد که عرضه کننده کتب حاوی علوم جدید باشند، کتاب فروشی های معمول و قدیمی یا فروشندگان آثار دینی چاپ مطابع سنگی یا همان بازار کتاب فروشی شهر کهنه کابل که بخشی از آن در بازار کاه فروشی کابل ادامه مییابد، امروزه حتی تعداد آنها نیز به دلایل متعددی افزایش یافته است، کشور 27 ونیم میلیونی ما حالا در پایتخت خود بیش از صد ها کتاب فروشی دارد، ده ها مؤسسه تولید کتاب دارد، شاید در حدود ده ها چاپ خانه و دستگاه نشراتی را داراست، گرچه گاهی نرخ فروش این کتب خیلی ها گران میباشند، ولی اما این مشکل به برکت فقدان حضور و عدم رعایت اصول و قواعد «کاپی رایت» در جنگل پشاور (به تعبیر غیابت قانون در آن ولا) حل میشود، کتاب های گران قیمت را در آنجا به صورت غیر قانونی چاپ مجدد کرده وحتی به قیمت کمتر از نصف قیمت چاپ اصلی آن کتاب به فروش میرسانند، که این تخلف باعث کاهش فروش کتب چاپ اصلی آن آثار میگردد باید متذکر شد که فرهنگ فساد و اضافه خواهی در حوزه تثبیت مفاد معقول از چاپ و فروش کتب نیز به دور نیست و این خود مسبب، انکشاف بازار سیاه چاپ کتب گردیده است. کابل امروز مارکیت مخصوص فروش کتب دارد، متبازرترین آن کتاب فروشی های مارکیت جوی شیر جاده آسمایی است، به ده ها تجارت خانه فروش عمده کتب در مقابل بانک تجارتی کابل پهلوی رستوران معروف آرین نیزکار وبار میکنند، و به صد ها کتاب فروش دوره گرد به دستفروشی کتاب مشغول اند، در جاده میوند چند کتاب فروشی عمده و پرچون حاوی کتب خیلی ها متنوع حتی

فرمایشات کتاب مورد نیاز مشتریان را میگیرند، بدون مبالغه در شهر کابل، هر نوع کتاب را میتوان دستیاب نمود، مشروط بر آنکه بازار آن را جستجو و پیدا کرده بتوانیم، به همین ترتیب در شهر هرات تنها در یک بازار آن در حدود 30 کتابفروشی را من حساب کردم، در شهر مزار شریف حتی بیشتر از هرات بازار کتاب را گرم یافتیم در فیض آباد بدخشان نازنین نیز کتاب فروشی های را دیدیم، در شهر کندز نیز کتاب، بازار خود را داشت.

حالا محاسبه میکنیم، نفوس کشور حال اگر یک افزایش تقریباً 80 فیصد را نشان بدهد، در برابر آن کتاب و بازار آن بدون شک ده ها برابر افزایش یافته است، به این صورت حوزه توجه به کتاب کم نشده بلکه خیلی وسیع هم گردیده است.

کتاب چاپ میشود، خلاف اصل کاپی رایت چاپ قاچاقی میگردد، وارد میشود، به طرق مختلف بدست آمده و در بازار توزیع میگردد، بالاخره این همه کتاب ها، خوانندگانی و مطالعه کنندگانی دارد، که به مقایسه نفوس 15 میلیونی سال 55 ه ش و تعداد کتاب های مورد عرضه آن زمان، و ملاحظه نفوس 27 و نیم میلیونی موجود و کتاب های مورد عرضه فعلی، رشد کمی کتاب خوان ها را به مراتب نسبت به آن سال 55 ه ش اضافه تر نشان میدهد.

قابل توضیح است که آن کتاب های که در چاپ خانه های قانونی طبع شده و به صورت رسمی ثبت میشوند، توسط، جمعی قابل توجه نویسندگان، عالمان، پژوهشگران، محققان و کارگزاران عرصه های علم و دانش و اکادمیک تحریر، تهیه و تألیف میگردند، جنب و جوش اجتماعی کنونی زمینه رجوع به کتاب را به یک ضرورت مبدل ساخته است، انجمن های نویسندگان، ژورنالیستان، حوزه های متعدد علم و هنر و فرهنگ و جامعه مدنی و فعل و انفعالات سیاسی خود بازار کتاب را خوب داغ کرده است. و این در حالیست که تعدادی از باسوادان ما که وضع اقتصادی بهتری دارند، با وسایل مدرن امروزی مانند کامپیوتر، نیاز ایشان به اطلاعات علمی را از آن طریق مرفوع میسازند، گرچه دشوار است متیقن بود که با تألیفات سرپایی و شتابزده رایگان رسانه های اینترنتی بتوان اساسات ریشه یی یک مسلک را فرا گرفت، اما بدون شک امروز این عرصه ارائه معلومات، رقیب جدی کتب مطبوع به شمار میرود. در این مورد باید علاوه نمود که کتابخانه های دیجیتالی را نیز باید به حساب آورد که در جاده نادرپشتون کابل در مارکیت هایش به فروش میرسند، مثلاً با خرید یک کتاب خانه به مبلغ فرضی حد اکثر 15 دالر میتوان چند هزار جلد کتاب و یا بیشتر از آن را در اختیار داشت، اما به هر صورت، استفاده از این امکان، منحصر به آنانی است که کامپیوتر دارند، واقعیت این است که اکثریت نیازمندان به کتاب، مانند اکثریت عظیم مردم وطن ما توانایی داشتن یک پایه کامپیوتر را ندارند و به سختی میتوانند جوهری را از مصارف خوار و بار ایشان صرفه کرده و با هشتاد و یا صد افغانی (یک و نیم و یا دو دالر) کتاب مورد ضرورت خود را خریداری کنند، کتابخانه های عامه و رایگان نیز به لطف مساعدت های ارگان های علمی و اکادمیک کشور های کمک کننده دارای کتب فراوان است، اگر به خاطر داشته باشیم اخیراً چند نمایشگاه کتاب هم در کابل و هم در هرات برگزار شد که مردم با علاقمندی به تماشای آنها رفتند.

وقتی به کتب عرضه شده نگاه میکنیم کتاب های تخیلی و علوم طبیعی را نسبت به کتب علوم انسانی و اجتماعی به مراتب بیشتر می بینیم و این امر مبین آن است که نسل کنونی نسبت به نسل دهه 50 ه ش، بیشتر به تکنولوژی و علوم طبیعی علاقمند است، که از لحاظ اشتغال و کاریابی، ابزار مساعدتر را بدست میدهد، انگار نسل کنونی به عملی بودن و کاربرد یک مسلک و تخصص که از کتاب دریافت میکند، به مفیدیت آن در کار زار زندگی بیشتر توجه دارد، به عبارت دیگر پیوند عینی و عملی مندرجات کتب با زندگی مادی، نزد نسل کنونی حایز اهمیت زیاد است. گرچه این مأمول با نیت فردی و کاملاً فردی آغاز میشود، ولی زمینه های اجتماعی را به دنبال خود ایجاد میکند، نفوس کنونی کشور ما که بیش از 65 فیصد آن در حدود 30 سال و کمتر از آن عمر دارد، کاملاً در مسیر آن است که به اولویت های عوامل جمعی نسبت به محدوده های آرمان های فردی، بیش از پیش ارجحیت بدهد، جمع است که به فرد معنی میدهد، جامعه است که تمام دانش های نظری و عملی را

دریافت میکند مصرف کننده تمام محصولات علمی و هنری که از کتب به فرد انتقال میکند، جامعه است و این حقیقت مبرمی است که ما نیاز اشد به درک عمیق آن داریم.